

نهمین منبر محرم 1443؛ موضوع: حضرت ابوالفضل علیه السلام در عاشورا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله و الصلاة و السلام على رسول الله و على آله آل الله

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ و عَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ و فِي كُلِّ سَاعَةٍ و لِيّاً و حَافِظاً و

قَائِداً و ناصِراً و دَلِيلاً و عَيْناً حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً و تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلاً

جهت تعجیل در ظهورش و سلامتی وجود نازنینش از هر گزندی صلوات ختم بفرمایید...

خدا را شاکرم که توفیق داده که در جمع شما بزرگواران باشم....

از وقتی که حادثه کربلا سال 61 هجری واقع می شود، اهل بیت عصمت و طهارت دنبال بزرگداشت این حادثه بودند امام سجاد علیه السلام به یک شکلی ؛ به این حالت که ایشان هر وقت می خواست آب بنوشد یا غذا بخورد ،اشک می ریخت....یا هر وقت مجلسی بود از سوی هاشمیات (زنان هاشمی) امام سجاد حجت زمان و حجت عصر حضور پیدا می کردند و حتی نقل شده که ایشان خودشان آشپزی می کردند؛ حتی دستور به طبخ نمی دادند؛ در صورتی که الان شاید بزرگی خودش نهایتاً پول بدهد، نه این که خود اقدام کند و با توجه به آن زمان و سختی پخت ویا امام باقر علیه السلام پولی را قرار میدهند و وصیت می کنند ایام منا در حج یک مکان عام ، زمان عام ، اختصاص میدادند به عزاداری اباعبدالله الحسین ...یا امام صادق یا امام کاظم یا امام رضا علیه السلام هر کدام به نحوی ...تا حتی نقل هایی که از امام زمان علیه السلام نقل شده تا برسد به عصر علمای بزرگ مقید بودند که عزاداری صورت بگیرد در سخت ترین و خطرناکترین شرایط که حتی یک جلسه هم تعطیل نشود؛ این ها صرفاً برای ابراز احساس نبوده است...سوال ممکن است پیش آید که چه لزومی دارد امامی مثل امام سجاد علیه السلام این قدر نوحه و عزاداری کنند به هر حال ممکن است کسی سوال کند امام چرا این کار را می کردند؟ در جواب باید گفت واقعیت این است که این جریان، بزرگداشت یک واقعه بوده است؛ بحث عواطف و صرفاً

احساس نبوده بزرگداشت یک مکتب و یک مدرسه و یک نظام فکری بوده است از این جهت این اهتمام وجود داشته و هر وقت هم شدیدتر شده اوضاع شیعیان هم شدت عمل نشان میدادند....

خاطره ای می خواهم تعریف کنم از جناب آقا شیخ محمد جواد نجفی روحانی مستجاب الدعوه ای که به دستور آیت الله بروجردی به ابرکوه آمده بود، و این را هم بگویم که بنده خودم یک آدم دیرباوری هستم و به نقل از یک خواب و دو تا خواب تسلیم یک باور و اعتقاد نمی شود اما خاطره ای را که می خواهم تعریف کنم، در واقع خودم دیدم و اگر ندیده بودم بیان نمی کردم یک روز که در منزل ما روضه بود، یک آقای به آقای حاج شیخ محمد جواد نجفی گفت یادتان هست که شما بیست سال پیش دعا کردید و باران آمد؟ خیلی خشکسالی شده و باز هم دعا بفرمایید تا باران بیاید.... ایشان هم در جواب گفت: ما که نمی توانیم دعا کنیم، ولی من یک دعا میکنم و شما آمین بگویید! و گفت: خدایا آن گناهی را که باعث شده باران نیاید، ببخش.... به همین شکل ساده و بدون دیگر جملات و مردم هم شاید ده هشت نفری بیشتر کنارشان نبودند و ایشان پایین آمده و رفت به سمت نماز.... من خودم یادم هست، بارانی آمد عجیب!! کوچه ها همه خاک و گل بود و فردا بعد از ظهر هم که منزل ما روضه بود، من دیدم که بعد از ظهر یک جلسه مختصری برگزار شد، من دیدم ایشان تا زانو در رگل رفته بود، ولی باز با پای پیاده با این که منزلشان با منزل ما فاصله داشت، به سوی خانه ما آمد و یکی از متدینین یادم هست که به شوخی به ایشان گفت تقصیر خودتان هست و این کار را خودتان سر خودتان آوردید!! دعا کردید باران آمد و باید تحمل کنید! ببینید این را می خواهم بگویم که بزرگان ما این قدر مقید بودند که جلسات روضه حضرت اباعبدالله علیه السلام تعطیل نشود و در هر شرایطی برگزار شود... این ها همه در فضای طبیعی است ما الان فضایمان طبیعی نیست؛ ما الان در یک فضای دیگری هم هستیم به نام مجازی تقریباً کسی راضی از این فضا نیست؛ منتها چاره ای و گریزی هم از آن نیست!! و در واقع شده مثل شمشیر دو لبه ببینید چقدر تبلیغات می شود علیه عزاداری... برخی از ندانم کاریها و عدم مدیریت ها که سوگمندان وجود دارد و یک فضایی علیه عزاداری درست میکنند این جاست که اگر عده ای جوان جمع شوند ، و این پرچم را برافراشته تر کنند، اگر هم یک جایی

پرچی پایین می آید ، دیگری آن را برافرازد... عزیزان این جلسات را دست کم نگیرید مایه مباهات و مایه روشنی چشم امام زمان است دل امام زمان را شاد می کند میزبان ایشان است و مگر می شود جلسه ای تشکیل شود و ایشان نباشد... ما فکر می کنیم این ما هستیم که برای ایشان صدقه می دهیم یا نماز می خوانیم، امام زمان هم برای سلامتی شما دعا می کنند، صدقه می دهند، نماز می خوانند. شما یک پدر خوب در نظر بگیرید اگر پسر خوبی داشته باشید چه کار می کنید؟ ما پدرانی داشتیم که برای فرزندانشان دعا میکردند و هر روز نماز می خواندند چون احساس میکردند فرزندشان هدر نرفته و باعث افتخارشان بوده است..... برخی پدران و مادران برای فرزندانشان صدقه میدهند.. سوال من این است که آیا امام زمان علیه السلام پدر این امت هستند یا نه؟ آیا مهربانند یا نه؟ آیا خبردارند یا نه؟ اگر بگوییم خبردارند این خلاف اعتقادات ماست... بگوییم بی طرف هستند، بی خیال اند که او ، امام نمی شود!! یک پدر که از فرزندش و وضعیت او باخبر باشد، نسبت به او دعا میکند ، صدقه می دهد و ... من گاهی تعبیر کردم برای برخی دوستان که الان عصر امواج ضلال هست؛ در این عصر امواج ضلال عصر شبیه و همه چیز قاطی شده و همه چیز به هم ریخته این که عده ای عزاداری کنند، خیلی ارزشمند است....

در یک مصاحبه ای با خبرنگاری ایرنا داشتم آن جا من آسیب های عزاداری را گفتم؛ یک آسیب هایی دارد عزاداری ها شما قطعاً مبتلا به آن ها نیستید، متأسفانه کنار گل، خار هم هست؛ کنار هر برنامه ای ، خرافه ای هم بوده است. در عزاداری ها این خرافه ها خودش را نشان میدهد یا تعابیری که نمی توان از آن ها دفاع کرد یا برخی حرکات یا مثلاً دروغ گفتن..... ما که ماکیاولیزم نیستیم که دروغ بگوییم برای این که به هر شکل، اشک مردم در بیاید و...

منابر و سخنرانی ها و جلسات استاد محور و معرفت محور باشد و باید به شکلی باشد که مخاطب چیزی یاد گرفته باشد کما این که گذشتگان از این جلسات بوده که اطلاعات و دین و اعتقاداتشان را می گرفتند باید به مردم معرفت اضافه شود. قرآن می فرماید: رب زدنی علما (نه رب زد علمی)؛ خدایا خودم را زیاد کن از نظر دانش و معرفت که برود در جسم و جان من... به هر صورت باید جلسات این طور باشد...

عاشورا دانشگاه است؛ روز تاسوعاست نام ابوالفضل برده می شود؛ من غصه می خورم که اهل روضه نیستیم... در این دانشگاه خیلی ها حضور دارند از یک بچه شش ماه تا خود اباعبدالله جوان سیزده یا چهارده ساله و یا فرزند امام حسن و ... ولی یکنفر استاد ممتاز است؛ ما وقتی نسبت به ابوالفضل میرسیم؛ او در دانشگاه عاشورا استاد ممتاز است؛ اولاً برای ابوالفضل چند بار امان نامه آوردند، و این نبوده که فقط روز تاسوعا امان نامه آورده باشند، یک کسی است به نام عبدالله بن ابی المحل که از طریق ام البنین این ها با حضرت ابوالفضل به من منتسب می شدند.. عبدالله بن ابی المحل ببینید چقدر هم این ها شناخت نداشتند!! البته حضرت به او دایی می گفتند شاید هم دایی با واسطه بوده ، او وساطت میکند در نزد عبیدالله، و به عبیدالله می گوید که بالاخره از بستگان ما همراه حسین بن علی هستند، یک امان نامه بده اگر آن ها خواستند پناه آورند و کشته نشوند، بتوانند.. عبیدالله یک امان نامه میدهد یک شخص به نام عرفان یا کومان امان را می آورد برای ابوالفضل و به این واسطه می گویند به دایی ما سلام برسان و بگو که امان خدا، بهتر از امان ابن مرجانه است و توضیحی هم نمیدهند، و حضرت امان را رد می کنند، اما معتقدم آن چه حضرت را سوزاند چیز خاصی بود؛ یک چنین صبحی بود؛ که یک خبیثی به نام شمر دارد فریاد میزند که : این بنو اختنا؟ فرزندان خواهران ما کجا هستند؟ چرا باید این ها از ابوالفضل این توقع را داشته باشند؟ چرا این ها را نشناختند؟! حضرت جوابی ندادند... بعد امام حسین علیه السلام فرمودند: فاسق است ولی جوابش را بدهید... این جا بود که ابوالفضل فرمودند خدا لعنت کند تو را و لعنت کند کسی را که این امان نامه را فرستاد... چه توقع دارید از ما؟ ما فرزندان زهرا را تنها بگذاریم؟ ما زینب را تنها بگذاریم؟ اباعبدالله رامن تنها بگذارم؟ خدا لعنت کند شمارا.... این که می گویم درس است به این دلیل که در واقع این شمر نبود که نزد ابوالفضل علیه السلام آمده بود، این درحقیقت دنیا بود، اما حضرت مثل برق این دنیا را پس زد و چه جور هم مزد گرفت!!! ببینید درحادثه عاشورا هیچ کس مثل ابوالفضل بدنش تکه تکه نشد!... امام حسین ، علی اکبر ، قاسم اما کسی مثله شود و تکه پاره شود!!... یک کسی رشید هم باشد و تیر در چشم و دست هم نیست که تیر را بیرون آورد معلوم است که دارد معامله ای صورت می گیرد که ابوالفضل هر چه دارد، بدهد و

خدای متعال هم هر چه دارد، در اختیار ابوالفضل قرار دهد...لذا امید هست به توان شفاعت حضرت ابوالفضل العباس در قیامت لذا گفته شده : حضرت اباعبدالله قبل از شهادتشان دو نفر را دفن کردند، یکی علی اصغر بود که حضرت می دانستند زیر سم اسبان له شود، دوم ابوالفضل بود که به این دلیل که اعضای بدن ایشان هر کدام به سوئی پراکنده شده بود، همه را جمع و دفن کردند...ما خیلی امیدواریم و امیدمان به شفاعت حضرت ابوالفضل العباس است...خدایا توفیق بندگی و معرفت بیشتر به ما عطا کن...خدایا توفیق عزاداری ها را به همه عنایت کن، به ما که عطا فرمودی...شکر...به همه عنایت فرما! دعاهایی که می کنیم به هدف اجابت برسان متوسل می شویم به صلوات بر محمد و آل محمد.